

وجود دارد ولی بازیگران اصلی در خصوص اینکه چکار باید کرد شدیداً با هم اختلاف نظر دارند. به باور او طرف لطمه دیده هنوز تحت مراقبتهای ویژه قرار دارد و پزشکان نسبت به اینکه راه معالجه و بهبودی او چیست با یکدیگر اتفاق نظر ندارند.<sup>۳</sup>

نخستین مسئله‌ای که تأثیر عظیمی بر آینده اقتصاد بحران‌زده کشورهای آسیایی خواهد گذاشت، این است که بحران و تنش در بازارهای مالی جهانی فروکش کرده است (چنین وضعیتی از ابتدای سال ۱۹۹۹ نمایان گردید) و همراه با آن نگرانی‌ها، شعار دادن، بحث، گفتگو و ارائه طرح‌های فوری و... رو به کاهش گذاشته است.<sup>۴</sup> ژاپن و اتحادیه اروپا نگران ایستایی اقتصادی و کاهش بی سابقه ارزش «یورو» هستند. این در حالی است که ایالات متحده در واکنش به سیل واردات از آسیا، اقدامات محدودکننده تجاری را اتخاذ کرده است. بنابراین جای هیچ تعجب نبود که وزرای اقتصاد «هفت کشور بزرگ اقتصادی جهان» در فوریه ۱۹۹۹ سلسله اقداماتی را که نباید انجام گیرد اعلام داشتند ولی هیچ راه علاج و درمانی ارائه نکردند.<sup>۵</sup>

به نظر می‌آید کشورهای بزرگ جهان بیش از آن نگران منافع فوری خود هستند که بتوانند درباره اقتصادهای بحران‌زده‌ای که سخت گرفتار مبارزه با عواقب بحران هستند به تأمل بنشینند. بنابراین لازم است که کشورهای آسیایی خود وارد مبارزه شوند و به تلاش جدی برای ثبات بخشیدن به اقتصادهای در مانده خود بپردازند. مسئله‌ای که باید برای همه آسیایی‌ها تاکنون روشن باشد این است که زمانی که بحران مالی اقتصادهای آسیایی را مورد حمله قرار داد، نهادهای اقتصادی منطقه‌ای نتوانستند با بحران مقابله نمایند و در طوفانی عظیم در هم ریختند.<sup>۶</sup> وانگهی، زمانی که بحران پا گرفت، هیچ برنامه همکاری مدون و مؤثری در میان کشورهای آسیایی بخصوص در زمینه همکاری در بخش مالی وجود نداشت. به همین دلیل وقتی در اوایل سال ۱۹۹۷ تنبهد بحران ارزی در تایلند شروع به وزیدن کرد، تایلند می‌بایست به تنهایی به مقابله

مقالات، سمینارها، و کنفرانسهای بسیاری در خصوص این که بحران آسیا چرا رخ داد و چگونه شکل گرفت مطرح و برگزار شده و منابع مناسبی را برای بررسی و مطالعه دست‌اندرکاران امور اقتصادی-سیاسی آسیا فراهم آورده است که شاید با تأمل در آنها ملت‌های جنوب شرق آسیا بتوانند جلوی بحران آتی را بگیرند و مسیر آینده اقتصاد کشور خود را تا حد امکان بروشنی ترسیم نمایند.

یکی از شعارهای مطرح شده از همان شروع بحران اقتصادی آسیا تأکید بر پیدا کردن راه حل منطقه‌ای بحران بوده است. در این خصوص نظریه‌های فراوانی از حوزه‌های اقتصادی و سیاسی مطرح شده است. «تونی بلر» نخست‌وزیر بریتانیا مداخله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را مطرح نموده است. «جرج سوروس» (George Soros) سرمایه‌دار بین‌المللی که از منابع مالی عظیمی برخوردار است و عملاً بزرگترین سرمایه‌گذار شخصی جهان (بخصوص در سرمایه‌گذاریهای کوتاه مدت) نامیده می‌شود خواهان بیمه مالی بین‌المللی است که بتواند وام‌های خصوصی را تضمین کند. «جفری ساکس» (Jeffrey Sachs) از دانشگاه هاروارد پیشنهاد تدوین نوعی قانون ورشکستگی بین‌المللی را که بتواند در برنامهریزی مجدد پرداخت قروض جهانی مؤثر باشد مطرح کرده است.<sup>۱</sup> رهبران فرانسه و آلمان خواهان تشکیل منطقه پولی برای ثبات بخشیدن به بازار مالی بین‌المللی شده‌اند و «ماها تیر محمد» نخست‌وزیر مالزی هم از ایجاد مقررات ناظر بر جریان سرمایه‌های کوتاه‌مدت پشتیبانی کرده است.<sup>۲</sup>

علیرغم مطرح شدن نظریات فوق، هیچ‌گونه برنامه عملی مشترکی پیشنهاد نشده است. «جفری گارتن» (Jeffrey Garten) رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه ییل که طرفدار ایجاد «بانک مرکزی جهانی» است، وضعیت حاکم بر اقتصاد آسیا و بحران مالی و اقتصادی این منطقه از جهان را بدرستی تحلیل کرده است. وی بر این اعتقاد است که در مورد اتفاقی که حادث شده و اینکه چرا چنین چیزی رخ داده است اجماع کامل

## رویارویی با بحران آسیا: پیروزیها، شکستها و چشم انداز آینده

دکتر بهزاد شاهنده

از دانشکده حقوق و علوم

سیاسی-دانشگاه تهران

با آن برمی‌خواست.<sup>۷</sup> اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) که در سال ۱۹۶۷ در کوران بحران «جنگ دوم ویتنام»<sup>۸</sup> تأسیس گردید و تا پیش از این به عنوان یکی از موفقترین بلوکهای منطقه‌ای جهان به‌شمار می‌رفت، نتوانست از وقوع بحران مالی جلوگیری کند. بحران مزبور ضعفهای «آسه‌آن» را آشکار کرد و همین می‌تواند نکته مثبتی برای آینده این اتحادیه‌ده کشوری باشد، زیرا قبلاً اعتماد به نفس مفرط در این اتحادیه باعث شده بود که آسه‌آن نتواند برنامه‌ای برای برخورد با خطرات احتمالی بخصوص در بخش مالی طراحی نماید. ضعف فوق‌دقیقاً در خصوص «سازمان همکاریهای اقتصادی آسیا - اقیانوسیه» موسوم به «آپک» نیز مطرح است. «آپک» از زمان تأسیس در سال ۱۹۸۹ تحت نفوذ بی‌چون و چرای واشینگتن بوده و در نتیجه نتوانسته است هویتی آسیایی را جلوه‌گر نماید. «آپک» در حال حاضر به «سازمان ملل کوچکی» تبدیل شده است. درک اینکه چرا «آپک» نتوانست در بحران مالی آسیا موفق شود دشوار نیست و عملاً از این سازمان نمی‌توان انتظار زیادی در این خصوص داشت.

با توجه به مراتب فوق، ضروری است که آسیا تأملی جدی کند و به دنبال مکانیزمی برای احیای اقتصادی و پرهیز از بحرانهای جدید باشد. در حقیقت پس از حادث شدن بحران اخیر که بزرگترین بحران مالی آسیا ظرف دو دهه گذشته بود برنامه‌های متعدد و قابل توجهی برای بخش مالی آسیا مطرح شد. در نوامبر ۱۹۹۷، وزیرای مالی آسه‌آن «مکانیزم نظارت اقتصادی آسه‌آن» (AEMM) را تصویب کردند. هدف سازمان مزبور ایجاد مکانیزمی برای تکمیل و حمایت از نظارت جهانی صندوق بین‌المللی پول می‌باشد. آسه‌آن با تصویب مکانیزم فوق حمایت از اعضای خود در شناسایی بحرانهای بالقوه و برخورد موردی با آنها را مدنظر داشته است که شامل ارزیابی ضربه‌پذیری اعضا از بهر یختگی مالی و بحرانهای ناشی از آن هم می‌باشد. از این گذشته، سازمان مذکور قصد هماهنگ ساختن اقتصادهای عضو را دارد و در صدد ایجاد محیط نظارتی در میان ده کشور عضو است. معهداً با

توجه به مداخله جو نبودن آسه‌آن، نبود شفافیت و در اختیار نداشتن آمار اقتصادی لازم، این سازمان موفقیت چندانی نداشته و مکانیزم مزبور در حد شعار باقی مانده است.<sup>۹</sup>

از تلاشهای دیگر برای مقابله با بحرانهای آتی می‌توان از طرح «بانک آسیایی بازسازی و توسعه» (ABRD) که اهداف بلندمدت را در نظر دارد، نام برد. «بنیاد دموکراتیک هنگ کنگ» (HKDF) بر این نظر است که باید برای حمایت از گذار به اقتصادهای بازار پیشرفته در آسیا بانکی با ماهیت آسیایی تأسیس گردد. از مزیت‌های مهم تأسیس چنین بانکی این است که چین را توانمند خواهد کرد و این کشور خواهد توانست پروژه‌های گسترده عمرانی را که بوسیله بانک مزبور حمایت می‌شوند به‌مورد اجرا گذارد. این نهایتاً به افزایش پروژه‌های ساختمانی خواهد انجامید و باعث خواهد شد رشدی فوری و عظیم در صادرات میان کشورهای آسیایی پا بگیرد.<sup>۱۰</sup> «صندوق پولی آسیا» از دیگر پیشنهادهایی است که اخیراً برای ثبات بخشیدن به بازار مالی آسیا مطرح شده است. قرار است صندوق مزبور کمک مالی لازم را در اختیار کشورهای بگذارند که با بحران ارزی روبرو هستند. ژاپن این پیشنهاد را در سال ۱۹۹۷ مطرح کرد و قصد داشت پنجاه درصد از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌ایجاد چنین صندوقی را در اختیار گذارد.

ولی آمریکا شدیداً با طرح «صندوق پولی آسیا» مخالفت کرد. «رابرت روبین» وزیر خزانه‌داری وقت ایالات متحده آمریکا مخالفت خود را با طرح فوق به علت عدم مذاکره قبلی ژاپن با آمریکا اعلام داشت. با مخالفت آمریکا و به تبع آن «صندوق بین‌المللی پول» که آمریکا در آن بزرگترین سهام‌دار و از حق و تو بر خوردار است، طرح ژاپن نمی‌توانست موفقیتی داشته باشد. ایالات متحده در خصوص مخالفت با طرح فوق تأکید داشت کشورهایی که خواهان گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول هستند باید شرایط سخت و دقیق آن صندوق را رعایت نمایند، در حالی که چنین مکانیزمی در اساسنامه «صندوق پولی آسیا» وجود ندارد. اما به نظر نگارنده ایرادات فوق صرفاً ظاهری است و اصل ماجرا این است که آمریکا

● یکی از شعارهای مطرح شده از همان شروع بحران اقتصادی آسیا، تأکید بر پیدا کردن راه حل منطقه‌ای بحران بوده است.

اکثر طرح‌های ارائه شده در عمل موفق نبوده‌اند (یا دستکم در حد انتظار موفقیت نداشته‌اند). صرفاً به نظر می‌رسد که طرح میازاوا در زمینه کمک‌رسانی مؤثر بوده است. همانطور که در بالا گفته شد در این طرح ژاپن بخش اعظم کمک‌های مالی به کشورهای بحران‌زده از جمله کره جنوبی را تأمین می‌نماید. کشور مزبور در چارچوب این طرح ۸/۳۵ میلیارد دلار آمریکا دریافت کرده است.<sup>۱۱</sup>

متأسفانه با فروکش کردن بحران و وضعیت اضطراری، احساس نیاز به همکاری گسترده و نیرومند ضعیف‌تر شده است. تعدادی از کشورهای بحران‌زده آسیایی با فائق آمدن بر وضعیت اضطراری به خطا معتقد شده‌اند که راه احیای تمام عیار اقتصادهای آنها هموار شده و بنابراین میل اولیه برای همکاری اقتصادی با دیگر کشورهای منطقه را از دست داده‌اند. در اینجا باید تأکید کرد که اگر ناخوشی اقتصادهای آسیا به شکل جدی و بنیادی درمان نشود بحران می‌تواند مجدداً چهره پلید خود را نشان دهد.

وقتی توسعه بلندمدت اقتصاد آسیا را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که برای کشورهای آسیایی ارجحیت مطلق دارد که

که از اهرم قوی «وتو» در صندوق بین‌المللی پول برخوردار است (زیرا بزرگترین سهام‌دار آن است) نمی‌خواهد با عملی شدن پیشنهاد ژاپن اقتدار و نفوذ خود را بر اقتصادهای آسیایی (و به تبع آن بر سیاست آنها) از دست بدهد.

از سوی دیگر «شورای مشورتی تجاری آپک» پیشنهادی را مطرح کرده که مورد پذیرش آمریکا، ژاپن، «بانک توسعه آسیا» و «بانک جهانی» قرار گرفته است. هدف از این طرح تضمین اوراق بهادار دولتی بوسیله کشورهای است که به دامن بحران افتاده‌اند. بوسیله تضمین‌های لازم مشکلات پولی و گردش پول حل و فصل خواهد شد.

افزون بر طرح فوق، طرح ارائه شده از جانب ژاپن نیز بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد. «میازاوا» نخست‌وزیر ژاپن در سال ۱۹۹۸ طرحی را مبنی بر در اختیار قرار گرفتن ۳۰ میلیارد دلار در ظرف دو سال برای بهبود بخشیدن به وضعیت مالی و اقتصادی کشورهای بحران‌زده مطرح کرد. طرح میازاوا عملاً شکل دیگری از تفکر «صندوق پولی آسیا» است با این تفاوت که آمریکا از این طرح استقبال کرده است.

● در بحران اخیر آسیا، در مورد اتفاقی که حادث شده و اینکه چرا چنین چیزی رخ داده است اجماع کامل وجود دارد ولی بازیگران اصلی در خصوص اینکه چه باید کرد شدیداً با هم اختلاف نظر دارند.

### برخی از پیشنهادها برای همکاری مالی در آسیا

پیشنهاد	مبتکران	اهداف	وضعیت و ارزیابی
«مکانیزم نظارت اقتصادی آسه‌آن»	«آسه‌آن»	نظارت منطقه‌ای در «آسه‌آن»	بدلائلی از قبیل مداخله جو نبودن اتحادیه «آسه‌آن»، عدم شفافیت و در اختیار نداشتن آمار لازم، طرح موفق نبوده است
«بانک آسیایی بازسازی و توسعه»	«بنیاد دموکراتیک هنگ‌کنگ»	ایجاد سازمان توسعه چندجانبه به منظور ارتقاء اقتصادهای آسیا به اقتصادهایی با بازار پیشرفته	به دلیل وجود شک و تردید و عدم شفافیت فعلاً مسکوت مانده است.
«صندوق پولی آسیا»	ژاپن	کمک و یاری رساندن به اقتصادهای بحران‌زده - عملاً به عنوان مکمل و حامی صندوق بین‌المللی پول در آسیا	به علت مخالفت آمریکا و صندوق بین‌المللی پول متوقف شده است.
مکانیزم تضمین اوراق بهادار دولتی	«شورای مشورتی تجاری آپک»	تضمین بین‌المللی اوراق بهادار اقتصادهای بحران‌زده	به علت موافقت آمریکا، ژاپن - بانک توسعه آسیایی و بانک جهانی امید به موفقیت آن وجود دارد.
نقل و انتقال چندجانبه‌ارز	«شورای مشورتی تجاری آپک»	نقل و انتقال ارز به عنوان وام برای کشور بحران‌زده	موفقیت آن منوط به اجرای طرح است که هنوز بلا اجرا مانده است.

به جای تأکید بر همکاری در حوزه مالی در حوزه حقیقی به همکاری با یکدیگر بپردازند.<sup>۱۲</sup> یکی از مسائل مهم در اقتصاد کشورهای آسیا وابستگی بیش از حد این کشورها (عمدتاً کشورهای در حال توسعه) به اقتصاد ژاپن است، بطوری که به کرات عنوان شده است که نخست ژاپن باید خانه تکانی اقتصادی خود را به پایان برساند تا اینکه اقتصاد آسیا شروع به رونق نماید. کشورهای آسیایی تکنولوژی و کالاهای نیمه سبک و سنگین را از ژاپن وارد می نمایند. هم زمان این کشورها کالاهای مونتاژ یا تولید شده خود را به بازارهای اروپایی و آمریکایی روانه می سازند ولی پس از بحران این روند دچار وقفه شدید شده است زیرا صادرات ارزان این کشورها که به سبب کاهش ارزش پول شان دو چندان شده بازارهای غربی را با خطر روبرو کرده و همین باعث گردیده است که بخصوص در آمریکا بر واردات از این کشورها تعرفه های محدود کننده ای وضع شود.

در نتیجه فعل و انفعالات فوق کشورهای آسیایی (علیرغم تمام محدودیتهای اعمال شده بوسیله آمریکا) از مازاد تجاری بالایی در برابر آمریکا برخوردارند و در عین حال کسری تجاری شدیدی در برابر ژاپن دارند. برخی همین تجارت سه جانبه را علت اصلی بحران ارزی در تایلند که نهایتاً بحران آسیا را شکل داد، تلقی می نمایند، زیرا خصوصیت بارز اقتصادهای آسیا همین روابط سه گانه (مازاد زیاد با آمریکا - کسری زیاد با ژاپن) بوده است.<sup>۱۳</sup> از آنجا که تا مدت زمان قابل پیش بینی آسیا چاره ای جز تأکید بر صادرات ندارد چون عملاً تنه راه موجود برای این کشورها برای رهایی از رکود اقتصادی و بحران است، لازم است تجارت متوازی با ژاپن برقرار سازند. کشورهای آسیایی باید به بالا بردن کیفیت تکنولوژی و توسعه کالاهای سنگین و نیمه سنگین صنعتی خود همت گمارند و از این راه در حد توان در مقابل ژاپن به توازن تجاری برسند.

از دیگر ابعاد مورد توجه اقتصاد آسیا در بخش حقیقی افزایش در تجارت درون منطقه ای است. از اواسط دهه هشتاد میلادی شرکت هایی

از ژاپن و کشورهای تازه صنعتی شده نظیر کره، تایوان و هنگ کنگ فعالانه در سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دیگر کشورهای آسیایی مشارکت داشته اند. در نتیجه تجارت میان شرکت های مادر و شعبات آنها بطور چشمگیری افزایش یافته و به تبع آن تجارت درون منطقه ای از رونق بی سابقه ای برخوردار شده است. معهداً، بحران آسیا ثابت کرد که صرف گسترش تجارت منطقه ای کافی نیست. شوک غیرقابل انتظار در یک کشور از طریق کاهش ناگهانی تجارت تأثیری منفی بر کشور دیگر خواهد گذارد که به «تأثیر سرایتی» (Contagion effect) معروف است. بنابراین کشورهای بحران زده در عمل با دو چالش در خصوص همکاریها در بخش حقیقی روبرو هستند. نخست ایجاد توازن تجاری با ژاپن و دیگر کشورهای آسیایی و دوم لازم است کشورهای آسیایی به ایجاد تنوع در کالاهای تولیدی - صنعتی خود دست بزنند تا بتوانند به طور مکمل با اقتصادهای یکدیگر عمل نمایند.

در خصوص چالش نخست، آسیا باید تشکیل سازمانی جدید برای پرداختن به مسئله ایجاد توازن تجاری با ژاپن را مورد تأمل قرار دهد. در حقیقت تلاشهای زیادی در راستای گفتگوی دوجانبه بین ژاپن و کشورهای آسیایی انجام گرفته است. معهداً تلاشهای فوق (تلاشهای دوجانبه) موفقیت آمیز نبوده است، زیرا هم ژاپن تمایل لازم را برای انتقال تکنولوژی از خود بروز نمی دهد و هم اینکه کشورهای آسیایی توان جذب چندانی ندارند که ارتباط موفقیت آمیز را امکان پذیر سازد. آسیا نیاز به تلاش همگانی دارد. یک بار در ابتدای دهه ۱۹۹۰ ماهاتیر محمد نخست وزیر مالزی سازمانی تحت عنوان «مجمع اقتصادی شرق آسیا» (EAEC) را پیشنهاد کرد. طرح «ماهاتیر» تحقق نیافت، چرا که در نهایت، هدف ماهاتیر ایجاد گروه یا سازمانی در برابر غرب بود و همین باعث گردید آمریکا با آن شدیداً مخالفت کند. با مخالفت شدید آمریکا دیگران بخصوص ژاپن با سردی با طرح ماهاتیر برخورد کردند.<sup>۱۴</sup> سازمان جدیدی که امروز باید عملاً با حضور همان کشورهای شرق آسیا که ماهاتیر مدنظر

● به نظر می آید کشورهای بزرگ جهان بیش از آن نگران منافع فوری خود هستند که بتوانند درباره اقتصادهای بحران زده ای که سخت گرفتار مبارزه با عواقب بحران هستند به تأمل بنشینند.

می‌دارد که در صورت عدم تحقق تغییرات فوق باید به جای بحران، انتظار فاجعه را در آسیا داشت.<sup>۱۸</sup>

ارزیابی سویاچای از وضعیت اقتصادی به نظر نگارنده کاملاً درست است. در حقیقت، با توجه به قدرت و عظمت اقتصادی سه کشور چین، ژاپن و کره احیای اقتصادهای آنها و همکاری بالقوه در میان این سه غول بزرگ اقتصاد آسیا امری بسیار حیاتی است. وانگهی، همکاری اقتصادی-صنعتی بین این سه کشور می‌تواند الگوی خوبی در جهت متنوع‌سازی صنعتی-اقتصادی به حساب بیاید. ژاپن دارای تکنولوژی پیشرفته است، چین از منابع عظیم شامل کارگر ارزان قیمت برخوردار است،<sup>۱۹</sup> و کره هم دارای تکنولوژی متوسط است و تجارب خوبی در ایجاد و توسعه سازمانها و شرکتهای تجاری-صنعتی در کوتاه مدت داشته است.<sup>۲۰</sup> با وجودی که نمی‌توان اختلافات درون منطقه را نادیده گرفت، ولی به علت جهانی شدن اقتصاد و سیاست، همکاری بین سه کشور مذکور امری شدنی است. مثالی که در این راستا می‌توان زد این است که اخیراً ژاپن پیشنهاد ایجاد منطقه تجارت آزاد با کره را مطرح ساخته است که نشانه‌ای از نزدیکی دو کشور به شمار می‌رود.<sup>۲۱</sup> چنین ابتکاری از جانب ژاپن قابل ملاحظه بوده و روندساز است و می‌تواند پس از شروع فعالیت به چین نیز گسترش پیدا کند و این غول اقتصادی آینده را در برگیرد. اهمیت ایجاد چنین ابتکاری هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم علی‌رغم اینکه شرق آسیا یکی از پویاترین مناطق جهان به لحاظ اقتصادی است ولی هنوز توافقی برای ایجاد چنین همکاری اقتصادی منطقه‌ای صورت نگرفته است؛ گرچه امیدهایی به مذاکرات کره و ژاپن در این خصوص می‌رود.<sup>۲۲</sup>

همکاری در بخش خصوصی نیز می‌تواند بسیار کارساز باشد زیرا هنوز برای همکاری سازمانی اراده لازم در میان نخبگان سیاسی-اقتصادی کشورهای مطرح شرق آسیا وجود ندارد. با تعمیق همکاریهای بخش خصوصی به عنوان راهگشای همکاریهای دولتی<sup>۲۳</sup> سه

داشت (تمام شرق آسیا جز آمریکا، استرالیا و زلاندنو که در حوزه پاسفیک قرار دارند) تشکیل گردد باید هدفش پرداختن به معضل عدم تراز تجاری در میان کشورهای آسیایی باشد، نه مبارزه با جهان غرب.

در ارتباط با چالش دوم، آسیا باید صنعت خود را با توجه به مزیت نسبی هر کشور از نو بازسازی کند. تا کنون اولویت نخست کشورهای آسیایی، صنعتی شدن با هدف صادرات (سیاست تشویق صادرات) بوده است. در نتیجه ساختارهای صنعتی اغلب کشورهای جنوب و شمال شرق آسیا به یکدیگر شباهت پیدا کرده و باعث رقابت شدید آنها با یکدیگر در بازار جهانی شده است. در این خصوص ایجاد مناطق آزاد تجاری برای متنوع‌سازی صنایع آسیا می‌تواند راهگشا باشد. طبق زمان بندی پیش بینی شده آن در سال ۲۰۰۳ موفق به ایجاد منطقه تجارت آزاد آسه آن یا افتا (AFTA) خواهد گردید و آپک خواهان آزادسازی تجارت و سرمایه گذاری تا سال ۲۰۲۰ است. آسه آن باید تلاش کند تا به عنوان یک بلوک منطقه‌ای آزاد پابرجا بماند و سیاستهایی نظیر آنچه که ماهاتیر قصد اجرای آن را داشت (کنترل سرمایه و...) <sup>۱۵</sup> تعقیب نکند، زیرا فرار سرمایه یا عدم ورود سرمایه جدید برای این ده کشور بسیار خطرناک است.<sup>۱۶</sup>

اما در خصوص متنوع‌سازی صنعتی، همکاری صنعتی میان سه کشور «شمال شرقی آسیا»<sup>۱۷</sup> یعنی چین، ژاپن و کره جنوبی حیاتی است. «سویاچای پانیت چپاکدی» (Supachai Panit chpakdi) معاون نخست وزیر تایلند که نامزد پست ریاست «سازمان تجارت جهانی» است اخیراً به درستی اظهار داشته است که آینده آسیا در دست کشورهای سه گانه فوق است. وی عنوان می‌دارد که همین سه کشور بیشتر به عنوان «لوکوموتیور رشد» شناخته شده بودند. «سویاچای» تأکید دارد که نیاز به تلاش مشترک در اقتصادهای این کشورها شدیداً احساس می‌شود، زیرا برای رشد اقتصاد آسیا تغییر ساختاری و حفظ اصلاحات در این کشورها الزامی است. وی در پایان مقاله خود عنوان

● زمانی که بحران مالی، اقتصادهای آسیایی را مورد حمله قرار داد نهادهای اقتصادی منطقه‌ای نتوانستند با بحران مقابله نمایند و در طوفانی عظیم گرفتار آمدند.

Volume VII, February 1999, pp. 14-17.

10. T.M.F - The Asian Crisis, Causes and Cures”, **Financo and Development**, June 1998, pp. 15-16.

11. The World Bank, “The Global Economic Prospects 1999”, p. 151.

۱۲. محمد تقی زاده، رویارویی دو نظام اقتصادی (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷)، بخش مربوط به آینده‌نگری.

13. **United Nations, “Economic and Social Survey of Asia and Pacific , 1998”** (New York, 1998), pp. 100-120.

14. Behzad Shahandeh. “Asian Economic Crisis: Floods of Ideas but no Consensus on Common Action”, **Iran News**, June 27, 1999, p.11.

15. **Ibid**, p. 11.

16. John Lipsky, “Asia’s Crisis”, **Financo and Development**, June 1998, p. 70.

۱۷. در منطقه شمال شرقی آسیا ۵ کشور حضور دارند.

چین، ژاپن، کره جنوبی (جمهوری کره)، کره شمالی (جمهوری دموکراتیک کره) و تایوان (جمهوری چین).

قبلاً هنگ کنگ نیز در این مجموعه قرار داشت که با پیوستن به چین (جمهوری خلق چین) در ژوئیه ۱۹۹۷ جزئی از نظام چین قاره‌ای (چین کمونیست) به‌شمار می‌رود.

18. “The Future of Asia”, **The Nation**, (Bangkok), May 12, 1999.

۱۹. بهزاد شاهنده، «امنیت شرق آسیای بزرگ در آستانه سده بیست و یکم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۱۵-۱۱۶ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)، صص ۹۲-۱۱۶.

۲۰. بهزاد شاهنده - «سیاست و اقتصاد در کره»، (انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشگاه تهران، ۱۳۷۸) بخش مربوط به آینده اقتصاد کره.

21. Behzad Shahandeh, “A Summit in Tokyo” - **Iran News**, December 21, 1999, p.11.

:See also, “United Stance, Tokyo - Seoul” **Newsreview** (Korea Weekly Magazine), March 27, 1999, p.5.

22. Kwon Young - Min, “Good Neighbors in the Making, Korea - Japan Free Trade Agreement Set On Track for Resolution”, **Newsreview** (Korea’s Weekly Magazine), June 12, 1999, pp.30-31.

23. Robert O. Keohane and Joseph Nye, “**Transnational Relations and World Politics**” (Massachusetts: Harvard University Press, 1991), p. XV.

اقتصاد بزرگ شرق آسیا می‌بایست در آینده بجد به ایجاد چیزی که می‌توان آن را «همکاری در شمال شرقی آسیا» نامید مبادرت نمایند. زیرا تنها از این طریق است که می‌توان امیدوار بود که دشمنیها در آینده به نوعی همکاری مبدل شود و این نه تنها نفع بزرگی را برای سه کشور همکار در حوزه بزرگ شمال شرقی آسیا به بار خواهد آورد بلکه بدین ترتیب آسیا در موقعیتی قرار خواهد گرفت که شعار «قرن بیست و یکم، قرن آسیا - پاسفیک» محقق شود.

همانطور که در بالا تأکید شد، سه اقتصاد بزرگ شرق آسیا می‌توانند به عنوان گام نخست به ایجاد «منطقه تجارت آزاد»، مبادرت نمایند و پس از نهادینه شدن همکاریها، کشورهای آسه آن (ده کشور آسیای جنوب شرقی) نیز به همکاری فراخوانده شوند و نهایتاً «منطقه اقتصادی آسیا» به واقعیت در آید.

#### یادداشتها:

1. **Newsreview**, May 29, 1999, p.28.

2. “Mahathir’s Capital Control Strategy”, **The New Straits Times** (Kuala Lumpur), August 11, 1998, pp. 1 and 2.

3. Jeffrey Garten, “The Split between the Major Players”, **Yale School of Management Review**, February 1999, p. 81.

4. “The Rhetoric Is Subsiding”, **Asian Review**, March 23, 1999, p. 11.

5. **Financial Stability Forum Report**, March 1999, Washington D.C. (State Publication).

۶. بهزاد شاهنده - «یک سال پس از بحران مالی آسیا»،

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۳۴-۱۳۳ صفحات ۱۵۲-۱۶۰ (مهر و آبان ۱۳۷۷) و

صص ۱۶۰-۱۵۲. به نظر نگارنده این وضعیت برای کشورهای آسیایی یک موهبت بود چرا که آنها دریافتند که عامل توسعه بحران و ورشکستگی اقتصادهاشان ضعف نهادهای اقتصادی خودشان بوده است.

۷. همان، صص ۱۵۸.

۸. منظور از جنگ دوم ویتنام، جنگ آمریکا با ویتنام است که با انعقاد قرارداد صلح پاریس در ۱۹۷۳ رسماً پایان یافت و تمامی نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۷۵ از این کشور خارج شدند و نهایتاً ویتنام متحد در ۱۹۷۶ تحت عنوان جمهوری سوسیالیستی ویتنام موجودیت یافت.

9. Behzad Shahandeh, “ASEAN in Limbo After the Crisis”, **Management Analysis**,

● تشکیل «صندوق پولی آسیا» یکی از پیشنهادهایی است که اخیراً برای ثبات بخشیدن به بازار مالی آسیا مطرح شده است. نقش این صندوق ارائه کمک مالی لازم به کشورهایی است که با بحران ارزی روبرو هستند.